

مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز
دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴

ارزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

فضل الله فروغی* رضا رحیمیان**

چکیده

با اجرایی شدن قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲، به دلیل تغییر ملاک‌های تعیین و اجرای مجازات در خصوص تعدد مادی جرائم تعزیری که البته دارای سابقه تقنینی در نظام کیفری ایران نیز بوده، قضات و حقوقدانان با چالش‌های علمی و عملی مختلفی مواجه شده‌اند. این ابهام‌ها، استنباط‌های متفاوتی را از مواد قانونی مربوط در پی داشته که همین امر، حقوق متهمان را در مقام عمل و رویه قضایی، در معرض تضییع قرار داده است؛ بنابراین ایجاب می‌نمود قانون‌گذار با دقت بیشتری به وضع مقررات مربوط می‌پرداخت. در این مقاله کوشش شده است، ضمن تبیین چرایی تفکیک بین انواع جرائم متعدد ارتكابی و نیز مفهوم مجازات اشد، به تشریح دقیق نحوه تعیین و اجرای مجازات در فرض تعدد مادی جرائم تعزیری پرداخته‌شده و در نهایت، امکان بهره‌گیری قضات از نهادهای مفید و اصلاح‌گرایانه قانونی همچون تخفیف و تعلیق مجازات و... تحت شرایطی مورد پذیرش و حمایت قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: تعدد جرم، تشدید مجازات، تعدد مادی، مجازات اشد، جرائم تعزیری

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Foroughi@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی تهران

r.rahimian2010@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳

۱. مقدمه

تعدد جرم، عبارت از ارتکاب جرائم متعدد قبل از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری است (پوربافرانی/الف، ۱۳۸۴: ۲۸ و گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۵۵)؛ که در حقوق کیفری ایران به عنوان یک علت عام تشدیدکننده مجازات محسوب می‌گردد. کیفیات مشدده، به اوصاف و جهاتی گفته می‌شود که از سوی قانون‌گذار تعیین شده و دادگاه با احراز وجود جهات موصوف، نسبت به تشدید مجازات اقدام می‌نماید. مقصود از تشدید مجازات، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مجازات قانونی است و در دکترین حقوقی نیز نظریه مخالفی در این خصوص وجود ندارد (پوربافرانی/الف، ۱۳۸۴: ۳۶). چرا که تعیین مجازات در محدوده حداقل و حداکثر به منزله تشدید مجازات نیست و دادگاه علیرغم عدم وجود کیفیات تشدیدکننده نیز، می‌تواند حداکثر مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. از سوی دیگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات ایجاب می‌نماید که نه فقط اصل مجازات از سوی مقنن تعیین شود، بلکه میزان تشدید آن، نیز لزوماً باید از سوی قانون‌گذار تعیین شود؛ بنابراین قاضی نمی‌تواند به میل خود و در غیر از مواردی که تشدید مجازات از طرف قانون مقرر شده، مجازات جرمی را تشدید کند (فتحی، ۱۳۷۹: ۷۹). در یک تقسیم‌بندی کلی، عوامل تشدیدکننده مجازات به علل عمومی شامل: الف) تعدد جرم و ب) تکرار جرم و علل اختصاصی: شامل الف) علل نوعی و ب) علل شخصی اعم از مجرم یا مجنی علیه تقسیم می‌شوند. تعدد و تکرار جرم از این جهت به عنوان علل تشدیدکننده مجازات شناخته شده‌اند که هر دو دلالت بر حالت خطرناک بزهکار و آمادگی او برای ارتکاب جرائم دیگر دارند^۱ (نوربها، ۱۳۸۶: ۳۹۹ و رایجیان اصلی، ۱۰: ۱۳۸۲).

به‌طور کلی، تدبیر سیاست‌گذاران کیفری جهان در تشدید مجازات چنین مرتکبانی یا از طریق اجرای مجازات شدیدتر یا از طریق قاعده جمع مجازات و یا تشدید مجازات جرائم متعدد با رعایت شرایطی صورت می‌پذیرد. قانون مجازات اسلامی نیز با هماهنگ‌سازی مقررات فقهی و عرفی از هر سه شیوه پیروی کرده است. بدیهی است به‌کارگیری هر سیاست و تدبیری در مبارزه با بزهکاری - از جمله در جرائم متعدد -

ارزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ۱۷۳

گذشته از برتری، کاستی‌هایی نیز دارد. این مسئله در قلمرو تشدید مجازات به دلیل برخورد با آزادی‌های فردی و حقوق انسانی بزهکاران و متهمان اهمیت بیشتری می‌یابد (رایجیان اصلی، ۱۰:۱۳۸۲)؛ و همین عامل، اهمیت تحلیل موضوع و تعیین چارچوب تعدد جرم را به‌عنوان یک علت تشدیدکننده مجازات دوچندان می‌سازد.

به لحاظ تاریخی، در حقوق کیفری ایران، شناسایی تعدد جرم به‌عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده مجازات را شاید بتوان برای اولین بار در ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جستجو نمود که به تعریف ((تعدد معنوی جرم)) پرداخته شده و مقرر می‌داشت: (هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است). تعریف مذکور تا امروز تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. پس از آن و در یک گذر زمانی، به‌موجب ماده ۲ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۲۹۰ مصوب ۱۳۱۲/۷/۱۲ تعدد مادی جرم نیز مورد شناسایی قرار گرفت. سپس قانون‌گذار طبق مواد ۳۱ (راجع به تعدد معنوی جرم) و بندهای الف و ب ماده ۳۲ (راجع به تعدد مادی جرم) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ با ارائه معیار کمی و تعداد جرائم ارتكابی که تا آن زمان فاقد سابقه تقنینی در نظام جزایی ایران بود، ملاک تعیین مجازات و اجرای آن از سوی دادگاه نیز بر همین بنیان استوار ساخت.

پس از وقوع انقلاب اسلامی، در مواد ۲۴ و ۲۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، معیار کمی و تعداد جرائم ارتكابی در باب تعدد مادی جرم، تحت تأثیر اندیشه‌های فقهی متحول گردید چراکه در اسلام، اصولاً قاعده جمع مجازات به هنگام برخورد با تعدد جرم رعایت می‌شود، لذا طبیعی است که قوانین مذکور از این قاعده مستثنی نباشند و فقط در تعزیرات به دلیل اختیار قاضی امکان عدول از قاعده جمع با شرایطی وجود دارد (نوربها، ۱۳۸۶: ۴۱۲).

در قوانین پس از انقلاب تا قبل از سال ۹۲، به‌طور کلی در باب تعدد مادی جرائم تعزیری، سه ضابطه مورد پذیرش قرار گرفته بود: ۱- در فرض مختلف بودن جرائم ارتكابی، قاعده جمع مجازات جاری می‌شد. ۲- در فرض مختلف نبودن جرائم ارتكابی، قاعده عدم جمع مجازات و فقط تعیین مجازات اشد جاری می‌شد که البته

تعدد جرم در این خصوص بر اساس قسمت اخیر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی سابق، از علل مشدده مجازات بوده که این امر در کنار حکم مقرر برای جرائم ارتكابی مختلف، گهگاه باعث نتایج نادرستی می‌گردید. به‌عنوان مثال: اگر کسی مرتکب صد جرم تعزیری یا بازدارنده مشابه می‌شد صرفاً یک مجازات در مورد او اعمال می‌شد درحالی‌که اگر فردی مرتکب دو جرم مختلف تعزیری یا بازدارنده می‌شد هر دو مجازات در مورد او قابل اعمال بود. این ایراد زمانی پررنگ‌تر می‌شد که بدانیم بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸- مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۷ حتی در مورد فردی که مرتکب صد جرم مشابه شده بود، دادگاه‌ها نه‌تنها ملزم به اعمال یک مجازات بودند، بلکه حق تعیین مجازات بیشتر از حداکثر قانونی نیز نداشتند (پوربافرانی/ب، ۱۳۸۴: ۲۸). ۳- در فرضی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشت که مرتکب به همان مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شد؛ و حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات نیز، به‌موجب تبصره ذیل ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ همان بود که در ابواب مربوطه ذکر شده بود و مشمول مقررات بالا در خصوص جرائم تعزیری نمی‌شدند. می‌توان گفت، مقنن پس از انقلاب، در تدوین مقررات مربوط به تعدد جرائم تعزیری، نگاهی کاملاً حدود محور داشته و احکام آن را عمدتاً از جرائم مستوجب حد استخراج کرده است. این گرت‌برداری مقنن به دلیل مبهم و ناقص بودن و گاه به دلیل عدم هماهنگی آن با سایر مقررات، انتقادهای زیادی را در پی داشته و درعین‌حال زمینه‌ای برای ابراز نظرات کاملاً متعارض از سوی حقوقدانان گردیده است؛ بنابراین با توجه به تفاوت‌های بنیادین و ماهیتی که بین جرائم مستوجب حد و جرائم تعزیری وجود دارد، این اقدام مقنن، اقدام درستی نیست (پوربافرانی/ب، ۱۳۸۴: ۲۷). البته این سخن پس از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و پذیرش مجدد قواعد حاکم بر تعدد جرم بر اساس قانون مجازات عمومی سال ۵۲ صرفاً در خصوص جرائم تعزیری، تاندازه‌ای قابل تعدیل است، ولی نگاه غالب قانون‌گذار، همچنان، همان است که گفته شد.

قانون‌گذار در ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل پنجم از بخش سوم کتاب اول (کلیات) با پذیرش تلفیقی از ضوابط پیش‌گفته در قوانین قبل و

بعد از انقلاب، به نحو قابل دفاع و البته غیر کافی، معیارهای قانونی متفاوتی را در خصوص تعدد جرائم تعزیری مورد شناسایی قرارداد. می‌توان گفت در قانون جدید، چهار ضابطه متفاوت: ۱- اجرای مجازات اشد ۲- تشدید مجازات (با رعایت شروط و قواعد خاص قانونی) و ۳- جمع مجازات (صرفاً در حدود و قصاص و دیات و مجازات تعزیری درجه ۷ و ۸) ۴- صدق یک عنوان خاص بر رفتارهای مجرمانه متعدد ارتكابی و اعمال مجازات همان عنوان خاص مجرمانه، با لحاظ تغییراتی نسبت به قوانین سابق مورد پذیرش قرار گرفته است. در این مقاله کوشش شده تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، چه ملاک‌هایی را در خصوص تعیین و اجرای مجازات در فرض تعدد مادی جرائم تعزیری مورد پذیرش قرار داده است؟ مفهوم مجازات اشد به‌ویژه در جرائمی که دارای دو یا چند مجازات توأم است و ضوابط تشخیص و اجرای مجازات اشد چیست؟ در صورت شمول عفو یا آزادی مشروط نسبت به مجازات اشد، تکلیف چیست؟ آیا باید ادامه همین مجازات اشد اجرا گردد یا لازم است بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۳۴ مجازات اشد بعدی را اجرا نمود؟ آیا لازم است میزان مجازات اجراشده را احتساب نمود یا خیر؟ با فرض لزوم اجرای مجازات اشد، وضعیت اجرای مجازات تبعی چگونه است؟ تعدد تعزیرات منصوص شرعی، تابع چه ضوابطی است؟ چرا باید، بین انواع جرائم متعدد قائل به تفکیک شد؟ بهره‌گیری از اختیارات قضایی در تعیین مجازات متناسب (بهره‌گیری از نهادهایی همچون تخفیف و تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، جایگزین‌های حبس و...) تابع چه شرایطی است؟ و اینکه دادرها و دادگاه‌ها در مقام عمل به مقررات جدید، با چه چالش‌ها و مشکلاتی مواجه‌اند؟ نهایتاً نحوه برون رفت از این مشکلات و ارائه تفسیری منطقی و قانونی از مقررات مرتبط با موضوع چیست؟ و مسائلی از این قبیل که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با این مقدمه، به شرح مباحث آتی، در سه بخش کلی که مشتمل بر تفکیک تعدد جرم به لحاظ کیفی (شماره دو)، تفکیک تعدد جرم به لحاظ کمی (شماره سه) و نیز تعدد مادی جرائم تعزیری و اختیارات قضایی در تعیین مجازات متناسب (شماره چهار) خواهد بود، به بررسی موضوع‌های پیش‌گفته پرداخته می‌شود.

۲. تفکیک تعدد جرم به لحاظ کیفی

تحلیل صحیح و دقیق هر نهاد حقوقی اعم از تعدد جرم، مستلزم شناخت انواع و فهم مبانی آن نهاد حقوقی است. در این بخش، ضمن بررسی مبانی تفکیک انواع تعدد جرم (۱-۱)، به تفکیک انواع جرائم متعدد- حدی، تعزیری، مستوجب قصاص و یا دیه- (۱-۲) و نیز اجتماع این جرائم (۱-۳) پرداخته خواهد شد. البته در هر قسمت؛ حسب مورد، مواد قانونی مربوط تحلیل خواهد شد. مقصود از تعدد کیفی جرم در این مقاله، کیفیت رفتار مجرمانه ارتكابی است که حسب مورد باعث ثبوت مجازات حدی و یا تعزیری و یا قصاص می‌گردد و به عبارتی دیگر، در این تقسیم‌بندی، در تفسیر و شناخت یک رفتار مجرمانه، بر اساس نوع واکنش کیفری اتخاذ شده در مقابل آن اعم از حد، تعزیر و یا قصاص ملاک بررسی قرار گرفته است. با همین دیدگاه به تشریح موضوع‌های مذکور خواهیم پرداخت.

۲.۱. مبانی تفکیک انواع تعدد جرم

راجع به چرایی تمایز میان انواع تعدد جرم (اعم از اینکه مستوجب حد، قصاص، دیه و یا تعزیر باشد) می‌توان با توجه به دو معیار یا ملاک موضوع را مورد بررسی قرارداد: الف) تعدد جرم بر مبنای فعل و ب) تعدد جرم بر مبنای نتیجه. سؤال این است که آیا تعدد فعل مجرمانه، مبنای این تفکیک قرار دارد یا تعدد نتیجه و یا هر دو؟ اگر فعل واحد، نتایج متعددی در پی داشته باشد، می‌تواند مصداق تعدد جرم قرار گیرد یا خیر؟ و آیا این موضوع، در حدود، تعزیرات، قصاص و یا دیات متفاوت است یا یکسان؟ در هر یک ضابطه چیست؟ در جنایات مستوجب قصاص و دیه، برای ثبوت حکم تعدد جرم، تعدد نتیجه ملاک است و فعل واحد ایجاد تعدد نمی‌کند مگر اینکه نتایج متعدد داشته باشد. مثلاً؛ شخصی با پرتاب نارنجک باعث ورود جرح به چند نفر گردد که در این مثال، یک فعل، نتایج متعدد را در پی داشته که هر کدام جرم جداگانه‌ای است (مواد ۲۹۹ و ۵۴۶ ق.م.ا). بر این اساس، اگر تعدد جرم را ناظر بر تعدد افعال بدانیم، یک جرم محقق شده ولی اگر تعدد جرم را ناظر بر تعدد نتایج بدانیم، چند جرم در فرض مذکور محقق شده است. سؤال دیگری که در همین ارتباط

مطرح می‌شود این است که آیا، تعدد نتیجه را در صورت واحد بودن فعل، باید مطابق با تعدد عنوانی (معنوی) مجازات کنیم و یا از مصادیق تعدد واقعی (مادی) است؟ در پاسخ باید گفت که با مطالعه تاریخ قانون‌گذاری ایران، تاکنون، سه نوع سیاست کیفری در قبال تعدد نتیجه در پیش گرفته شده است: الف) در رویه قضایی و قوانین قبل از انقلاب، در فرض مذکور و در کلیه جرائم، موضوع از مصادیق تعدد اعتباری دانسته شده است. ب) بعد از انقلاب و تا سال ۹۲، در حدود و قصاص و دیات، تعدد نتیجه، تعدد مادی محسوب شده ولی در تعزیرات، از مصادیق تعدد معنوی محسوب می‌گردید. البته این موضوع تصریحاً در قانون ذکر نشده بود ولی رویه قضایی چنین موضعی را اتخاذ نموده بود. ج) با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۹۲، تعدد نتیجه در فرض مذکور، به موجب تبصره ۱ ماده ۱۳۴، در تمام جرائم (اعم از حد و قصاص و دیه و تعزیر) به عنوان تعدد مادی جرم محسوب شده است؛ بنابراین، ممکن است تعدد افعال موجب نتیجه واحد شوند ولی قانون‌گذار، همچنان و البته با پذیرش استثناهایی، در خصوص حدود، قصاص و دیات، اعمال قاعده تعدد مادی جرم، آن‌گونه که در جرائم تعزیری مقرر گردیده را جاری نمی‌داند.

علاوه بر معیار فوق که به تعدد جرم توجه داشت، می‌توان با تمرکز بر مجازات، چرایی تفکیک انواع جرائم متعدد را از مبنایی دیگر نیز مورد تحلیل قرارداد: نکته نخست) در تعدد حدود، قصاص و دیات، قاعده جمع مجازات و در تعدد جرائم تعزیری، مجازات اشد اجرا می‌شود. نکته دوم) سیستم اعمال مجازات در تعدد واقعی جرائم تعزیری، در مقایسه بین قوانین مجازات اسلامی سال‌های ۹۲ و ۷۰، متحول گردیده و در حاضر، در تعزیرات اصولاً قاعده جمع مجازات جاری نمی‌شود در حالی که در حدود، قصاص و دیات، به دلیل مبتنی بودن بر نص شرعی، حکم نتایج متعدد تغییری نکرده است و همچنان مشمول قاعده جمع مجازات است. این موضوع، از جمله در مواد ۵۴۴ و ۳۸۹ ق.م.ا از جهت جمع مجازات مبتنی بر تعدد نتایج را، خواه جنایات با فعل واحد و خواه با افعال متعدد واقع شده باشد، بیان شده است. نکته سوم) تعدد نتایج ناشی از فعل واحد را نمی‌توان از مصادیق تعدد معنوی بدانیم که به رغم پذیرش قاعده کلی تعدد مادی مبتنی بر تعدد نتایج در کلیه جرائم، لیکن برخلاف مقررات

حدود، قصاص و دیات، در تعزیرات قاعده جمع مجازات اعمال نمی‌شود و فقط در برخی موارد خاص در باب قصاص و دیات، قانون‌گذار، تعدد نتایج را موجب تعدد قصاص یا دیه ندانسته است که آن هم مستند به دلیل خاص است. علاوه بر مبانی پیش‌گفته، باید مبنای دیگری نیز در نظر داشت و آن هم اینکه، صرف‌نظر از اهداف مشترک و عمومی تمام مجازات، باید به فلسفه و مقاصد خاصی که مبنای طبقه‌بندی مجازات موصوف قرار گرفته است، نیز توجه شود؛ که همین مقاصد و اهداف خاص، به‌عنوان یکی از مبانی تفکیک میان انواع تعدد جرم محسوب می‌گردد. بر این اساس، در قصاص، مماثله و برابری مهمترین اصل در این نوع مجازات که مبتنی بر سزادهی است، محسوب می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). ولی در جرائم تعزیری، تعزیر جنبه اصلاحی و تربیتی دارد و بررسی آن تابع مصلحت است. حاکم اسلامی باید طبق مصالح فرد و جامعه، شرایط زمانی و مکانی، ویژگی‌های اخلاقی، روانی و حتی خصوصیات جسمانی بزهکار به تعیین و اجرای کیفری تعزیری اقدام نماید؛ و این در حالی است که در حدود، هدف، ارعاب بزهکاران بالقوه (پیشگیری از جرم) و دفاع از ارزش‌های موردحمایت شارع اسلامی است (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۴). از سوی دیگر، در جنایات مستوجب دیه، علاوه بر وصف کیفری، هدف اصلی ترمیم و جبران خسارت بزه دیده است؛ بنابراین، طبیعی است که نمی‌توان در قانون، همه آن‌ها را مشمول قاعده واحدی قرارداد، بلکه ذات هر یک مجازات و اهداف خاص آن‌ها، اقتضای وجود قواعد متعدد در انواع جرائم را دارد.

۲.۲. شناخت انواع تعدد جرم

جهت فهم بیشتر و بهتر جایگاه تعدد مادی جرائم تعزیری، لازم است، ابتدا به صورت مختصر، به تشریح و تفکیک انواع تعدد جرم پرداخته و سپس به بررسی فروض مختلف که مبتنی بر اجتماع جرائم تعزیری با سایر جرائم غیر تعزیری (اعم از حدود، قصاص و یا دیه) است، پرداخته شود.

۲.۲.۱. **تعدد در حدود:** قانون‌گذار سابق احکام تعدد مادی جرائم غیر تعزیری را از شمول احکام تعدد جرائم تعزیری مستثنا نموده بود ولی در قانون جدید مجازات

اسلامی تلاش شده است مقررات تعدد جرائم غیر تعزیری نیز به صورت قاعده درآید (زراعت، ۱۳۹۲: ۷۴). به طور کلی، قانون مجازات اسلامی هم در بحث حدود که دقیقاً مقتبس از فقه امامیه است، این قواعد را که بر اساس قول مشهور فقهاست (الهام، ۱۳۷۲: ۷۲) پذیرفته است (پوربافرانی/ب، ۱۳۸۴: ۳۳). به موجب قسمت نخست ماده ۱۳۲، اصل اولیه در تعدد جرائم حدی، ثبوت تعدد مجازات برای هریک از جرائم ارتكابی است (قاعده جمع مجازات) که در فقه امامیه با عنوان "قاعده عدم تداخل" شناخته می‌شود. در نظر فقیهان امامیه اجرای مجازات باید به گونه‌ای باشد که امکان اجرای همه آن‌ها باشد.^۳ به عنوان مثال: اگر کسی به سرقت مستوجب قطع دست و زنای مستوجب تازیانه و محاربه مستلزم قتل محکوم شود، نخست مجازات تازیانه، سپس حد قطع دست و در نهایت مجازات اعدام در مورد وی به اجرا درمی‌آید. برخلاف نظر فقیهان امامیه، در نظر فقهای عامه، بر مبنای قاعده جب و تداخل حدود، برخی مجازات مانع اجرای برخی کیفرها می‌شود؛^۴ بنابراین مجازات اعدام، اجرای سایر کیفرها را ممتنع می‌سازد (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۵)؛ اما بر این اصل، در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استثناهایی وارد گردیده است که دایره شمول و اجرای آن را تا اندازه زیادی کاهش می‌دهد.

۲.۲.۲. تعدد جنایات مستوجب قصاص و دیه: حکم تعدد جنایات مستوجب قصاص (اعم از قصاص نفس و یا قصاص عضو)، از سوی قانون‌گذار در کتاب اول قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به سکوت گذاشته شده است. برای یافتن حکم تعدد در چنین مواردی، باید به کتاب سوم قانون از جمله مواد ۲۹۹ و ۳۸۹ مراجعه نمود که اصل جمع مجازات در جنایات مستوجب قصاص حاکمیت دارد مگر اینکه بنا به عللی، امکان قصاص وجود نداشته باشد و یا در مواردی که در قانون، به صورت تصریحی قائل به استثنا شده باشد که در این صورت، اصل مذکور تعدیل گردیده و قاعده جمع مجازات جریان ندارد. در تعدد جنایات مستوجب دیه، نیز، بنا به تصریح ماده ۵۳۸ همان قانون، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آن‌ها است مگر در مواردی که در قانون مذکور، خلاف آن مقرر شده است.

۲.۲.۳. تعدد جرائم تعزیری (اعم از مادی و یا معنوی) : همان‌گونه که گفته شد، جرائم متعدد تعزیری از جهت کیفیت رفتار ارتكابی و نه دفعات ارتكاب رفتار مجرمانه، ممکن است با واکنش کیفری خاصی مواجه شود که ارتباطی با دفعات ارتكاب ندارد. به موجب تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود)^۵. به‌عنوان مثال: ارتكاب سرقت از طریق تهدید با اسلحه غیرمجاز که هریک از عناوین در صورت ارتكاب به صورت مستقل، مجازات جداگانه‌ای در پی خواهد داشت (سرقت، تهدید، حمل اسلحه غیرمجاز) ولی چنانچه همه آن‌ها با یکدیگر ارتكاب یافته باشد، فقط تحت عنوان سرقت مسلحانه قابل مجازات است. از سوی دیگر، تبصره ۱ ماده ۱۳۴ مقرر می‌دارد: (در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود). از سوی دیگر، ماده ۱۳۳ مقرر می‌دارد: (در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود). در مقام مقایسه دو مقرر قانونی باید گفت قدر مسلم این است که نتایج متعدد ناشی از یک رفتار، غیر از رفتار واحدی است که عنوان‌های متعدد مجرمانه را در خود جمع می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۲۰). البته برخی از حقوقدانان، تعدد نتایج مجرمانه را به دلیل شباهتی که با تعدد اعتباری دارد، گونه‌ای از تعدد معنوی یا اعتباری دانسته‌اند (پیمانی، ۱۳۷۴: ۱۷)؛ که رویه قضایی در زمان حاکمیت قانون سابق هم دیدگاه اخیر را تأیید می‌نمود، از جمله، به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۴-۱۳۶۰/۸/۳۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که اعلام می‌نمود: ((نظر به اینکه نفقه زن و اولاد واجب‌النفقه که زندگی مشترک دارند معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هریک از آنان پرداخته می‌شود، ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر در چنین حالتی ترک فعل واحد محسوب و آثار و نتایج فعل واحد موجب اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود)). صرف‌نظر از اینکه این رأی، به ما در فهم بهتر موضوع مورد بحث (نتایج متعدد ناشی از رفتار مجرمانه واحد) کمک می‌کند، به نظر می‌رسد با تصویب

قانون جدید مجازات اسلامی و ملاحظه تبصره ۱ ماده ۱۳۴ آن، باید قائل به نسخ ضمنی و عدم اعتبار کنونی رأی وحدت رویه مذکور باشیم؛ بنابراین لازم است میان تعدد نتیجه و حالات مشابه نظیر جرائم مرتبط، تعدد موضوع یا مجنی علیه و تعدد معنوی قائل به تفکیک شد. بحث تعدد نتیجه در جایی است که جرمی مطلق به نتیجه‌ای مجرمانه یا جرمی مقید به نتایج مجرمانه‌ای، غیر از آنچه در قانون ذکر شده است منجر شود (قیاسی، ۱۳۳، ۱۳۸۸). مثلاً همان گونه که در نظریه مشورتی شماره ۸۰۳-۹۲/۶/۱۶-۷/۹۲/۱۱۳۴/۹۲/۱۶۸/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز آمده است: شخصی با یک عبارت به دو نفر فحاشی کند و یا شخصی با انتشار آگهی متقلبانه در روزنامه باعث فریب چند نفر شده و از این راه اموال آنان را ببرد (رستمی غازانی، ۱۳۹۰: ۲۵)؛ و یا مردی که نسبت به زن خود و اولاد واجب النفق ترک انفاق کرده، مرتکب دو جرم شده است (کشاوری، ۱۳۷۸: ۷۵) و یا کسی که با سوزندان یک ساختمان، هم موجب ایجاد حریق شده و هم ممکن است موجب اتلاف سند شود (طاهری نسب، ۱۳۵: ۱۳۸۱). ولی مقصود از "عنوان مجرمانه" در باب تعدد معنوی جرم که به آن "تعدد عنوانی" نیز گفته می‌شود^۷، این است که رفتار مجرمانه ارتكابی واحد، بدون محقق شدن چند نتیجه، صرفاً دارای چند عنوان جزایی است مثلاً فروش مال امانی که هم خیانت در امانت است و هم فروش مال غیر و یا فروش مال مسروقه که هم انتقال مال غیر است و هم فروش مال مسروقه؛ بنابراین در این فروض، نتیجه واحد است ولی عناوین جزایی متعدد دارد. وجه اشتراک هر دو مقرر قانونی فوق‌الذکر، علیرغم اینکه یکی از آنها تعدد مادی و دیگری تعدد معنوی جرم محسوب می‌شوند، اجرای مجازات اشد است.

۲.۳. اجتماع جرائم متعدد

در مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ و تبصره آن از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار تکلیف اجتماع جرائم متعدد حدی، تعزیری و یا مستوجب قصاص را مشخص نموده است که پیش از این، به لحاظ عدم تصریح و تعیین تکلیف چنین مواردی در قانون، قضات دست به تفسیر قضایی از موضوع می‌زدند که بعضاً با نتایج و برداشت‌های نادرستی منجر می‌شد. خوشبختانه این اشکال تا حدود زیادی در قانون

جدید مجازات اسلامی مرتفع گردیده است. آنچه از ظاهر مواد قانونی مذکور استنباط می‌شود این است که در اجتماع جرائم متعدد حدی و تعزیری و نیز اجتماع جرائم مستوجب قصاص و جرائم تعزیری و همچنین تعدد و اجتماع حدود با جرائم مستوجب قصاص، همچنان اصل کلی و اولیه جمع و اجرای تمام مجازات است. ولی بر این اصل نیز استثناهایی وارد آمده که غالباً ناشی از تقدم حقوق الناس^۸ نسبت به حقوق الله بوده و به عبارتی جرائمی که جنبه حق الناس بودن آنها غلبه دارد، تحت شرایطی که گفته خواهد شد، در تقدم اجرا نسبت به سایر مجازات حدی و تعزیری قرار دارد و پس از استیفای حق الناس نوبت به اجرای سایر مجازات خواهد رسید.

۲.۳.۱. اجتماع جرائم متعدد حدی با جرائم مستوجب قصاص: همان‌گونه که گفته شد، در صورت اجتماع جرائم حدی با قصاص، اصل بر جمع مجازات و اجرای همه آنهاست که ابتدا حد اجرا می‌شود مگر در صورت وجود هر یک از شرایط زیر که در این صورت ابتدا قصاص اجرا می‌شود:

الف) اجرای حد، محل قصاص را از بین ببرد. به‌عنوان مثال: فردی به اتهام تجاوز به عنف، به حد اعدام محکوم شده و در عین حال مرتکب قتل عمد شخص دیگری نیز گردیده که اولیای دم مقتول تقاضای قصاص قاتل را دارند که در این صورت، به علت اینکه اجرای حد، محل قصاص را از بین می‌برد، اجرای قصاص مقدم است و چنانچه به هر علتی، از جمله اعلام گذشت اولیای دم، قصاص اجرا نشود، نوبت به اجرای مجازات حدی می‌رسد.

ب) اجرای حد موجب تأخیر در اجرای قصاص شود. البته در اینجا نیز هر دو مجازات اجرا می‌شود و فقط قانون‌گذار تکلیف تقدم در اجرای حکم را مشخص نموده است.

۲.۳.۲. اجتماع جرائم متعدد حدی و یا مستوجب قصاص با تعزیر: در اجتماع جرائم متعدد حدی و یا مستوجب قصاص با تعزیر، نیز، قاعده جمع مجازات حاکم بوده و همه آنها اجرا می‌شود و با رعایت شرایط مذکور در بالا در خصوص نحوه اجرای جرائم حدی با مستوجب قصاص در فرض اجتماع آنها، حسب مورد، ابتدا حد و یا

قصاص اجرا می‌شود مگر در صورت اجتماع تمام شرایط زیر که اجرای تعزیر مقدم بر اجرای قصاص و مجازات حدی است:

الف) حد یا قصاص، سالب حیات باشد.

ب) تعزیر جنبه حق الناسی داشته باشد و یا تعزیر معین (منصوص) شرعی^۹ باشد.

ج) اجرای مجازات تعزیری، موجب تأخیر در اجرای حد نشود. به نظر می‌رسد در تقدم اجرای تعزیر بر حد و قصاص، وجود تمام شرایط مذکور لازم است. البته مقصود از تأخیر در اجرای حد و اینکه چه مدت زمانی به منزله تأخیر تلقی می‌شود؟ مشخص نیست و در قانون نیز زمانی تعیین نشده است که تشخیص آن به عهده قاضی مجری حکم و یا دادستان است. مسئله قابل تأمل در این بخش، در خصوص تعزیرات منصوص شرعی (مواردی همچون و طی بهایم، سحر، ارتداد و...) است که در قانون جدید مجازات اسلامی، به عنوان مفهومی جدید مورد شناسایی قرار گرفته است؛ اما آنچه به بحث ما مربوط است اینکه؛ آیا تعزیرات منصوص شرعی را باید از مصادیق حدود^{۱۰} بدانیم یا جرائم تعزیری^{۱۱}؟ به عبارتی بهتر، در تعدد تعزیرات منصوص شرعی، مقررات تعدد حدود را جاری بدانیم و یا این موضوع تابع مقررات تعدد جرائم تعزیری است؟ اهمیت بحث از آنجا مشخص می‌شود که هر آنچه مقام قضایی، از حدود غیر مذکور تشخیص دهد، به استناد ماده ۲۲۰ ق.م.ا؛ و اصل ۱۶۷ قانون اساسی، می‌تواند بدون وجود نص قانونی مرتکبین را به کیفرهای شرعی محکوم نماید. همچنین هر آنچه را مقام قضایی از مصادیق تعزیرات منصوص شرعی تشخیص دهد، باید مرتکبین آنها را از بسیاری از نهادهای ارفاقی مانند مرور زمان، تعلیق، تعویق صدور حکم و... محروم نماید. لذا تفسیر این مفاهیم ارتباط بسیار تنگاتنگی با حقوق و آزادی‌های شهروندان و اصل قانونی بودن جرم و مجازات پیدا می‌کند (حبیب زاده و رحمانیان ۱۳۹۲: ۱۰۵)؛ که به نظر می‌رسد از میان تفاسیر مختلف فقهی، حقوقی^{۱۲} ارائه شده از این موضوع، باید قائل به شمول مقررات جرائم تعزیری نسبت به تعزیرات منصوص شرعی نیز گردید، چرا که با توجه به روح حاکم بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در مقایسه با قوانین قبل از آن و اینکه نهادهای ارفاقی بسیار بیشتری پیش‌بینی گردیده و تفسیر مذکور از جهت کاهش جرم انگاری قضایی، غیر ابزارگرایانه بوده و با اصول

حقوقی نیز سازگارتر است (حبیب زاده و رحمانیان ۱۳۹۲: ۱۲۰).

۳. تفکیک تعدد جرائم تعزیری به لحاظ کمی

مقصود از تعدد کمی جرم، دفعات ارتکاب رفتارهای مجرمانه است. ممکن است گاهی چندین رفتار مجرمانه ارتکاب یافته باشد که هر یک از این رفتارها دارای وصف مجرمانه خاصی است (تعدد مادی جرم) و به عکس، گاهی ممکن است یک رفتار مجرمانه ارتکاب یافته باشد ولی واجد چند عنوان مجرمانه باشد (تعدد معنوی جرم) و یا اینکه مجموع چند رفتار مجرمانه دارای یک وصف کیفری باشد و یا اینکه یک رفتار باعث تحقق چند نتیجه مجرمانه شود که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد؛ بنابراین لازم است که مشخص گردد که در فروض مذکور، در مرحله صدور حکم چه میزان از مجازات مورد حکم قرار بگیرد و از سوی دیگر در مرحله اجرای حکم، کدام مجازات و چگونه اجرا شود. تحلیل مباحث مذکور در این قسمت خواهد آمد.

۳.۱. تعدد مادی (واقعی) جرائم تعزیری

مقصود از تعدد مادی (واقعی)، ارتکاب دو یا چند جرم جداگانه است که هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می‌کند (نوربها، ۱۳۸۶: ۴۱۰ و رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۰). تعدد مادی جرم زمانی محقق می‌شود که علاوه بر سایر شرایط قانونی، اول اینکه: یک جرم، مقدمه جرم دیگر نباشد (عابد، ۱۳۹۱: ۲۹ و پاکنده و باقرزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۱۶)^۴، در این صورت چون قصد واحد منشأ دو یا چند جرم نمی‌شود عمل مذکور تعدد نیست (شکری و قادر، ۱۳۸۶: ۱۲). به عنوان مثال: به موجب حکم شماره ۹۴۹-۱۳۱۶/۴/۳۰ دیوان عالی کشور، اگر سارق برای سرقت هتک حرز نموده و در دکان را بشکند عمل وی تعدد نیست. شرط دوم اینکه: مجموع جرائم ارتکابی در قانون عنوان خاصی نداشته باشد. در اینجا، قانون‌گذار یک عنوان مجرمانه را از اجزای تشکیل دهنده عنوان مجرمانه دیگر قرار داده است که در این صورت، بر اساس تبصره ماده ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.ا، تعدد جرم صادق نیست و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود. شرط سوم اینکه: عمل مؤخر نتیجه قهری عمل مقدم نباشد

(عابد، ۱۳۹۱: ۳۰)؛ و به عبارتی جرم دوم و سوم و ملازمه عرفی با جرم نخست نداشته باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۳۰)؛ یعنی اگر مباشر جرمی بعد از ارتکاب جرم، عمل دیگری انجام دهد که با جرم نخست مرتبط است و خود نیز مستقلاً جرم است، فرض تعدد متفی است. مثل اخفا اموال مسروق توسط سارق - نظریه مشورتی ۱۶۶۷/۷ مورخه ۱۳۶۱/۴/۳ - ولیکن هرگاه نتیجه قهری آن نباشد تعدد جرم خواهد بود مثلاً اگر فروش مال مسروق توسط سارق باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۲۶). شرط چهارم اینکه: جهت تحقق تعدد مادی جرم، لازم است چند رفتار مجرمانه جداگانه ارتکاب یافته باشد، البته در صورتی که یک رفتار مجرمانه، "نتایج متعددی" در پی داشته باشد باز هم مشمول مقررات تعدد مادی جرم قرار خواهد گرفت مثلاً منفجر نمودن یک مکان که منجر به قتل چند نفر شود. ولی در صورتی که با یک رفتار مجرمانه، چند "عنوان جزایی" صدق نماید موضوع مشمول تعدد معنوی یا اعتباری جرم خواهد بود و نه تعدد مادی. در این خصوص در مباحث قبلی توضیحات لازم ارائه گردید. شرط پنجم اینکه: تعدد جرم صرفاً در جرائم تعزیری مصداق دارد و احکام تعدد در حدود و قصاص و دیات تابع مقررات خاص قانونی است. بدین ترتیب اگر رفتار واحدی دارای عنوان‌های مجرمانه تعزیری و غیر تعزیری باشد (تعدد عنوانی یا اعتباری) قاعده جمع مجازات به اجرا درمی‌آید (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۲۰).

در هر حال جهت تسهیل در مطالعه، موضوع را در دو قسمت جداگانه تعدد مادی جرائم در مقام صدور حکم (۱-۲-۱) و تعدد مادی جرائم در مقام اجرای حکم (۱-۲-۲) بررسی خواهیم نمود.

۳.۱.۱. تعدد مادی جرائم تعزیری در مقام صدور حکم: به موجب صدر ماده ۱۳۴ ق.م.ا: (در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، دادگاه برای هر یک از جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید...) و ذیل ماده مذکور اضافه می‌نماید: (در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر

جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک چهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌شود). اینکه در ماده مذکور از طریق شناسایی تعداد دفعات ارتكاب رفتار مجرمانه جهت تعیین میزان تشدید مجازات، سعی در ایجاد ضابطه نموده، امری قابل دفاع و مفید است. حکم مذکور را باید نسبت به تمام جرائم متعدد تعزیری که در قوانین خاص مثلاً قانون صدور چک (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۸۳)؛ و یا جرائم مرتبط با مواد مخدر و... نیز آمده است، تسری داد و بر اساس مقرر قانونی فوق نسبت به تعیین و اجرای مجازات اقدام نمود. نکته قابل ذکر اینکه در هر دو فرضی که در پی می‌آید (جرائم ارتكابی کمتر یا بیشتر از سه جرم باشد اعم از مباشرت، شرکت و یا معاونت در جرم^{۱۵}) تشدید مجازات اجباری بوده و دادگاه مکلف است مجازات تشدید شده را در زمان صدور حکم اعمال نماید ولی این امر مانع از تخفیف مجازات در صورت وجود کیفیات مخففه نیست و به عبارتی دیگر دادگاه مکلف است ابتدا مجازات تعزیری را بر اساس ملاک‌های قانونی تشدید نموده و آنگاه همین مجازات تشدید یافته را تخفیف دهد^{۱۶}. ناگفته نماند که به صورت استثنایی مقررات تعدد جرم و بالطبع تشدید مجازات به شرح پیش گفته، در سه صورت قابل اعمال نیست: جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ و جرائم اطفال و نوجوانان (بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۶۰۲۱-۶۰۲۱/۱۰/۱۳۶۰) و نیز جرائم غیر عمد. با این مقدمه به تحلیل فروض مختلف قانونی در صورت کمتر از سه یا بیشتر بودن جرائم متعدد ارتكابی پرداخته می‌شود:

فرض نخست: جرائم تعزیری ارتكابی کمتر از سه جرم (نوع واحد یا متعدد)

در این فرض، دادگاه مکلف است به حداکثر مجازات مقرر حکم کند خواه جرائم ارتكابی از یک نوع باشند و یا انواع متعدد چراکه علاوه بر اطلاق ماده ۱۳۴ ق.م.ا، نظریه مشورتی شماره ۹۲/۶/۲ / ۱۰۲۳ / ۷/۹۲ / ۶۸۲-۱۸۶/۱-۹۲ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز بر همین امر دلالت دارد؛ بنابراین در فرض مذکور، تشدید مجازات اجباری بوده و میزان آن نیز ثابت و مشخص است. مقصود از حداکثر مجازات مقرر نیز، بر خلاف آنچه برخی از قضات و حقوقدانان برداشت نموده‌اند، حداکثر مجازات قانونی پیش بینی شده برای هر جرم خاص در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۷۵ و سایر قوانین خاص است و نه حداکثر مجازات مقرر در درجات هشت‌گانه مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. چرا که حسب تبصره ۴ ماده اخیرالذکر، مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات مقرر در قوانین جاری ندارد. باید اضافه نمود که تعیین حداکثر مجازات برای هر جرم منوط به تحقق رفتارهای مجرمانه متعدد در عالم خارج است در غیر این صورت و چنانچه نحوه ارتکاب جرم به گونه‌ای باشد که یک رفتار مجرمانه چندین بزه دیده داشته باشد مثلاً کلاهبرداری همزمان از چند نفر و یا اینکه فاصله زمانی بین دفعات ارتکاب به حدی کوتاه باشد که عرفاً و بنا به تشخیص دادگاه یک رفتار مجرمانه محسوب شود، اصولاً باید یک مجازات تعیین شود و نه چند مجازات حداکثری (نظریه مشورتی شماره ۵۳۳-۱/۱۸۶-۹۲/۸۱۷/۹۲/۵/۱۷/۹۲ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید این برداشت است).

در این فرض، چنانچه مجازات مقرر قانونی فاقد حداقل و حداکثر باشد، بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۳۴ تا یک چهارم به اصل مجازات اضافه و مورد حکم قرار می‌گیرد. نکته قابل ذکر اینکه علت و مبنای تشدید مجازات تا یک چهارم در چنین مواردی که مجازات مقرر قانونی فاقد حداقل و حداکثر باشد، مشخص نیست چراکه بر اساس اصل پیش بینی شده در صدر ماده ۱۳۴، چنانچه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه فقط می‌تواند همان حداکثر پیش بینی شده قانونی را برای هر جرم مورد حکم قرار دهد و در اینجا نیز بهتر بود که هماهنگ با صدر ماده، همان مجازات مقرر به‌عنوان حداکثر مجازات مورد حکم واقع می‌شد.

فرض دوم: جرائم تعزیری ارتكابی بیش از سه جرم (نوع واحد یا متعدد)

در این فرض، دادگاه مکلف است مجازات هریک از جرائم را بیش از حداکثر مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر تجاوز نکند، تعیین نماید و به عبارتی دیگر در این فرض، حداکثر مجازات مقرر قانونی برای هریک از جرائم، به‌عنوان حداقل مجازات و حداقل مذکور به اضافه نصف آن (نصف حداکثر مجازات اولیه مقرر در قانون)، به‌عنوان حداکثر مجازات قابل تعیین است؛ بنابراین اصل تشدید مجازات در این فرض نیز، همانند فرض نخست ثابت و میزان آن از حداکثر مجازات مقرر قانونی

بعلاوه یک واحد از همان مجازات (یک روز حبس، یک ریال جزای نقدی، یک ضربه شلاق و...) تا حداکثر بعلاوه نصف آن مجازات در نوسان است. در این فرض، نیز، چنانچه مجازات مقرر قانونی فاقد حداقل و حداکثر باشد، بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۳۴ ق.م.ا تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌شود. به‌عنوان مثال، یکی از مجازات قانونی بزه سرقت تعزیری ساده، موضوع ماد ۶۶۱ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه است. این مجازات از آنجا که فاقد حداقل است، دادگاه در مقام صدور حکم علاوه بر مجازات حبس، باید تا نصف آن (۳۷ ضربه شلاق) به اصل مجازات (۷۴ ضربه شلاق) اضافه نماید؛ که عبارت است از ۱۱۱ ضربه شلاق تعزیری که به‌عنوان حداکثر مجازات قرار می‌گیرد. البته ناگفته نماند که در فرض پیش گفته و سایر پرونده‌های قضایی، علیرغم شناسایی تعدد جرم به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده مجازات، دادگاه نباید از اصل تناسب جرائم و مجازات که در همه نظام‌های حقوق کیفری پذیرفته شده است و از ملزومات اولیه انصاف و عدالت است (حبیب زاده و هوشیار، ۱۳۸۹:۱۲). غافل بماند. چرا که دادگاه در مقام صدور حکم می‌تواند با بهره‌گیری از اختیارات قضایی که در ادامه همین مطالب به آن‌ها اشاره خواهد شد و متناسب با شخصیت متهم، سوابق کیفری وی، شرایط و اوضاع ارتکاب جرم، گستره نقض حقوق بزه دیده و اجتماع، میزان خسارات وارد شده و حتی در صورت مواجه شدن با تعدد جرائم ارتكابی، مجازاتی را برگزیند و آن را مورد حکم قرار دهد که بازپروری و اصلاح بزه‌کار را بیشتر محقق سازد، چرا که همیشه ارتکاب جرائم متعدد دلالت بر حالت خطرناک متهم و شخصیت ضد اجتماعی وی ندارد. اصل متناسب بودن مجازات با شدت جرم ارتكابی، در زمان وضع قانون توسط قانون‌گذار و نیز در زمان تعیین و تخصیص کیفر توسط قاضی برای جرم خاص و مرتکب معین، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا مجازات باید نشانگر میزان زشتی و خطر جرم ارتكابی برای جامعه باشد. عدم توجه به این امر موجب ظلم و تبعیض، به صورت افراط یا تفریط در اعمال مجازات می‌شود. همچنین ممکن است مقنن هنگام وضع قانون، به تناسب جرم با مجازات در قالب کلی و عام توجه داشته باشد، اما به تناسب آن با تک تک جرائم ارتكابی توسط افراد مختلف و در شرایط متفاوت که در عین حال مشمول

یک ماده قانونی خاص می‌شوند، توجه نکند یا قادر به پیش‌بینی همه مسائل نباشد (حبیب زاده و هوشیار، ۱۳۸۹: ۱۲).

۳، ۱، ۲. تعدد مادی جرائم تعزیری در مقام اجرای مجازات: قسمت دوم ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: ((... در هریک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیر قابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد...)) بنابراین، در مجازات متعدد تعزیری که در بالا در دو فرض به تشریح نحوه تعیین مجازات برای آن‌ها پرداخته شد، در مقام اجرا، فقط مجازات اشد قابل اجرا است. مقصود از مجازات اشد در ق.م.ا، اولاً: "مجازات اشد قضایی" و در واقع مجازاتی است که مورد حکم واقع گردیده است و نه مجازات قانونی جرم چرا که دادگاه در مقام تعیین مجازات، ممکن است از اختیارات قضایی در تخفیف یا تعلیق یا تعویق مجازات قانونی و... استفاده نماید که در جای خود از آن بحث خواهد شد. ثانیاً: بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید، مجازات اشد، مجازاتی است که شدیدتر از سایر مجازات بوده و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است که با پیش‌بینی این تبصره قانونی، مشکل حقوقدانان در تفسیر متون قانونی سابق و جدید در تشخیص مجازات اشد تا اندازه‌ای حل شده است ولی بازهم ابهام‌هایی در این خصوص مطرح است از جمله اینکه، در مقام اجرا آیا، به‌عنوان مثال: مجازات جزای نقدی درجه ۱ (بیش از یک میلیارد ریال) شدیدتر محسوب می‌شود یا مجازات حبس درجه ۵ (از دو تا پنج سال)؟ که در پاسخ به این سؤال، علیرغم وجود نظر مخالف، به نظر می‌رسد، حتی پس از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و درجه بندی مجازات، مجازات بدنی از غیر بدنی و مجازات سالب آزادی از کیفرهای مالی و سالب حقوق شدیدترند.^{۱۷} رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخه ۹۴/۸/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مفاداً متضمن همین معناست؛ بنابراین در فرض مذکور باید مجازات حبس درجه ۵ را شدیدتر تلقی نموده و فقط همان را اجرا نمود زیرا علاوه بر مقرر قانونی پیش‌گفته، بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۹ مقررات پیش‌بینی شده در این ماده،

درجه بندی مجازات صرفاً جهت تعیین درجه مجازات است و کارایی دیگری در تفسیر مقررات موضوعه ندارد و این امر به معنی شدیدتر بودن جزای نقدی مقرر در درجه بالاتر از حبس مقرر در درجه پایین تر تلقی نمی‌گردد. برخی از نویسندگان معتقدند تمامی مجازات مندرج در یک درجه، از حیث شدت و سختی متناسب یکدیگرند (الهام و برهانی، ۱۳۹۲: ۹۰). با این وجود به نظر می‌رسد در داخل هر درجه نیز تقدم و تأخر مجازات بر اساس شدت و ضعف است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۶۹). به‌عنوان مثال مجازات حبس در هر درجه شدیدتر از شلاق و جزای نقدی مندرج در همان درجه و مجازات شلاق شدیدتر از مجازات جزای نقدی همان درجه هست. در بند "ه" ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ پیش بینی شده بود که در صورتی که چند مجازات حبس بعضاً با جزای نقدی توأم باشد، مجازات حبس بیشتر، بعلاوه جزای نقدی که مبلغ آن زیادتر است، اجرا خواهد شد. این مقرر در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تکرار نشده و قانون‌گذار به‌صورت مطلق و بدون هیچ قیدی، صرفاً اجرای مجازات اشد را پیش بینی نموده است؛ بنابراین در حال حاضر در صورت جمع مجازات حبس با جزای نقدی، همان‌گونه که گفته شد صرفاً مجازات اشد که همان مجازات حبس است، قابل اجراست و بر خلاف قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، مجازات جزای نقدی با هر مبلغ و به هر تعداد که باشد قابلیت اجرا ندارد. سؤال دیگری که ممکن است مطرح شود اینکه چنانچه در تعدد جرم، مثلاً شخصی به جرم استعمال تریاک (مستلزم مجازات شلاق و جزای نقدی موضوع ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر) و سرقت ساده تعزیری (مستلزم حبس و شلاق موضوع ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات) محکوم شود، حال با توجه به اینکه هر یک از این جرائم دارای دو مجازات قانونی است، کدام یک از مجازات را باید اجرا نمود؟ در اشد بودن مجازات حبس سرقت تعزیری تردیدی نیست، بلکه سؤال اینجاست که آیا مجازات دیگر سرقت تعزیری را هم باید اجرا نمود و یا اینکه به اجرای حبس اکتفا می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که با توجه به اطلاق مقرر قانونی و تفسیر به نفع به متهم و نیز تفسیر مضیق قوانین کیفری، باید قائل به اجرای همان یک مجازات اشد قضایی باشیم و نه تمام مجازات قانونی برای جرم اشد؛ که در مثال پیش‌گفته، صرفاً مجازات حبس مقرر برای جرم سرقت،

به‌عنوان مجازات اشد قابل اجراست. هرچند برخی قضات نظر مخالفی دارند و معتقدند که در تعدد جرم اصل بر تشدید مجازات است و در این فرض باید تمامی مجازات قضایی جرم اشد اجرا شود و معتقدند که در مثال پیش‌گفته هم حبس و هم شلاق برای ارتکاب جرم سرقت باید اجرا شود؛ که این نظر به دلایل مذکور و نیز تصریح ماده ۱۳۴ ق.م.ا به اجرای مجازات اشد و نه اجرای مجازات جرم اشد، نمی‌تواند قابل دفاع باشد. نکته قابل ذکر دیگر اینکه، اگر مجازات اشد در هنگام اجرا به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا خواهد شد و میزان اجرا شده مجازات اشد اول برای مجازات اشد دوم محاسبه می‌گردد و بعلاوه، به‌موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۰۰۰ مورخه ۹۳/۴/۲۹، در صورت شمول عفو و یا آزادی مشروط به بخشی از مجازات اشد، موجبی قانونی جهت مجازات اشد بعدی وجود ندارد، بلکه با اعمال عفو و یا آزادی مشروط باقیمانده مجازات اشد اجرا می‌شود^۸. سؤال دیگر در این قسمت این است که در صورت اجرای مجازات اشد، تکلیف اجرا یا عدم اجرای مجازات تبعی چیست؟ به‌عنوان مثال: از بین چهار جرم ارتكابی (اعم از حدی یا تعزیری و یا مستوجب قصاص و دیه)، سه فقره از آن‌ها بر اساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲ دارای مجازات تبعی باشند که بر اساس مطالب پیش‌گفته، فقط مجازات اصلی اشد اجرا می‌گردد، آیا مجازات تبعی نیز علاوه بر مجازات اصلی قابل اجرا است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که در بند "و" ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲^۹ صراحتاً تکلیف موضوع را مشخص کرده بود و مجازات تبعی را در هر صورت قابل اجرا می‌دانست ولی قانون مجازات اسلامی ۹۲ در این زمینه ساکت است لیکن بر اساس اصول عملیه که در موارد شک، باید به اصل رجوع شود، بنابراین، با توجه به اصل پیش‌بینی شده در همین قانون مبنی بر اجرای تمام مجازات و اینکه هیچ منعی مبنی بر عدم اجرای مجازات تبعی در قانون شناسایی نگردیده و اجرای مجازات اشد، صرفاً ناظر بر اجرای مجازات اصلی است و نه مجازات تبعی، می‌توان قائل به لزوم اجرای مجازات تبعی علاوه بر مجازات اشد اصلی شد.

به‌موجب تبصره ۴ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: ((مقررات تعدد جرم در مورد

جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجرا نمی‌شود. این مجازات با هم و نیز با مجازات تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد.) بر این اساس، جرائمی که از درجه هفت و هشت هستند به لحاظ کم بودن مجازات قانونی آن‌ها در نظام کیفری ایران که به "جرائم خرد" شهرت یافته‌اند^{۲۰}، در هنگام صدور حکم مشمول تشدید مجازات نمی‌شوند ولی در صورت تعدد این جرائم در هنگام اجرا با مجازات اشد جمع شده و هر دو مجازات اجرا می‌گردد و بدین گونه، قانون‌گذار در مرحله اجرای حکم، حتی در همین جرائم خرد نیز، تشدید مجازات را به شکل دیگری نسبت به متهم اعمال نموده است.

۳.۲. تعدد معنوی (اعتباری) جرائم تعزیری

تعدد معنوی (اعتباری)، ارتکاب رفتار واحدی است که دو یا چند عنوان مجرمانه بر آن مترتب می‌شود، به همین جهت به آن "تعدد عنوانی" نیز گفته می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۰)؛ که البته تحلیل تعدد معنوی جرائم تعزیری خود مستلزم بحث و بررسی جداگانه‌ای است و در چارچوب موضوع این مقاله نمی‌گنجد ولی باید گفت که در این گونه از تعدد جرم بر خلاف تعدد واقعی (مادی) دفعات ارتکاب رفتار مجرمانه، یکبار بیشتر نیست و در مقام صدور حکم و اجرای آن، دادگاه فقط یک مجازات اشد تعیین و دادسرا نسبت به اجرای همان مجازات اشد اقدام می‌کند و بر خلاف تعدد مادی جرم، برای هر یک از عناوین مجرمانه، مجازات جداگانه قابل تعیین نیست.

۴. تعدد مادی جرائم تعزیری و اختیارات قضایی در تعیین مجازات متناسب

بهره‌گیری از اختیارات قضایی در جهت تعیین مجازات متناسب و تحقق اصل فردی سازی رسیدگی کیفری در مرحله محاکمه و صدور حکم که از اصول دادرسی منصفانه محسوب می‌گردد، با هدف اصلاح مجدد و باز اجتماعی و بازپروری بهتر بزهکاران از الزامات است. مطالعه و بررسی چگونگی به‌کارگیری این اختیارات در هنگامی که با تعدد مادی جرائم مواجه هستیم، بسیاری از ابهامات و اشکالات اجرای مقررات تعدد جرم را مرتفع می‌سازد. خوشبختانه در قانون جدید مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار سعی در ضابطه‌مندی بیشتر این اختیارات قضایی نموده است تا از برداشت‌ها و تفاسیر مختلف در هنگام عمل جلوگیری نماید ولی در برخی از موارد نیز موضوع قابلیت اعمال یا عدم اعمال این اختیارات قضایی در زمانی که با تعدد مادی جرائم روبرو هستیم، به سکوت گذاشته و گذشته است. بررسی مهمترین اختیارات قضایی مرتبط با تعدد مادی جرائم، موضوع بحث این بخش است که تعدد مادی جرم و تخفیف در مجازات (۱-۲) تعلیق در اجرای مجازات (۲-۲) تعویق در صدور حکم (۳-۲) و معافیت از کیفر (۴-۲) و مجازات جایگزین حبس در فرض تعدد جرم (۵-۲) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴.۱. تعدد مادی جرائم تعزیری و تخفیف در مجازات

با وجود آنکه تعدد جرم از علل مشدده به شمار می‌رود و حالت خطرناک مجرم و همچنین ایجاد نظم و امنیت اجتماعی اقتضا می‌کند نسبت به خطاکارانی که با ارتکاب جرائم متعدد به این نظم و امنیت لطمه وارد می‌کنند، شدت عمل بیشتری نشان داده شود (نوربها، ۱۳۸۶: ۴۱۶)، اما تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی، به درستی و همچون تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون سابق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تعدد جرم را مانع از اعمال تخفیف در مجازات در صورت وجود کیفیات مخففه، ندانسته است. دلیل این امر نیز روشن است زیرا همیشه نمی‌توان به صرف تعدد جرائم، به‌ویژه وقتی جرائم از نوع خفیف باشد، به شدت عمل متوسل شد و قاضی باید بتواند با شناختی که از مجرم پیدا می‌کند و با توجه به کیفیات و نحوه ارتکاب جرم و شخصیت بزهکار، حکم بر مجازات صادر نماید و به عبارت دیگر، تعدد همیشه دلیل کافی بر وجود حالت خطرناک نیست (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۱۶).

بنابراین، تعدد مادی جرائم تعزیری مانع از اعمال تخفیف در مجازات نیست ولی این امر، دارای ضوابطی است و دادگاه در اعمال تخفیف دارای اختیارات بی حد و حصر نیست. البته ارتکاب جرم جدید بعد از اعمال جهات مخففه تأثیری در موقعیت جرم قبلی مشمول مجازات تخفیف یافته ندارد (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۲). به‌موجب تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ق.م.ا: ((در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند

مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد)). به عنوان مثال: چنانچه شخصی به صورت جداگانه دو فقره جرم خیانت در امانت را مرتکب شود که مجازات هر یک از آن‌ها از شش ماه تا سه سال حبس است، در صورتی که دادگاه بخواهد با وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تقلیل دهد، حداقل می‌تواند حکم به بیست و یک ماه حبس و حداکثر سه سال حبس بدهد ولی کمتر از مدت مذکور نمی‌تواند حکم کند (طریق محاسبه میانگین مجازات: حداقل به اضافه حداکثر مجازات تقسیم بر تعداد جرائم ارتكابی).

تبصره مذکور، تکرار و تقلید ناقص از بند ((ح)) ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ است. چرا که در قانون اخیرالذکر، اولاً: به خوبی و هماهنگ با اصل پیش بینی شده در صدر ماده در خصوص تعداد جرائم ارتكابی، در تخفیف مجازات نیز از همان اصل تبعیت نموده و بر مبنای تعداد رفتارهای مجرمانه ارتكابی، میزان تخفیف نیز تعیین نموده است. ثانیاً: در اعمال حداکثر تخفیف نیز ضابطه ایجاد نموده و در هر دو مورد (جرائم ارتكابی کمتر یا بیشتر از سه جرم) پس از اعمال تخفیف، مقرر داشته: ((در هر صورت مجازات را نمی‌توان کمتر از ۶۱ روز حبس جنحه‌ای تعیین کرد)). در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حداکثر مجازات قابل تخفیف را مشخص نموده ولی از تفکیک مذکور در صدر ماده در خصوص تعداد جرائم ارتكابی (کمتر یا بیشتر از سه جرم) خودداری نموده و هیچ‌گونه تفاوتی در اعمال تخفیف بین شخصی که دو جرم تعزیری انجام داده با شخصی که مثلاً مرتکب ده جرم تعزیری گردیده قائل نشده است که این رویکرد قابل دفاع نیست و لازم بود نسبت به شخصی که مرتکب جرم کمتر از نصاب قانونی (کمتر از سه جرم) شده باشد، در صورت وجود جهات مخففه، نسبت به شخصی که مرتکب جرائم بیشتر از نصاب قانونی (بالتر از سه جرم) گردیده، تخفیف بیشتری قابل اعمال باشد.

۴.۲. تعدد مادی جرائم تعزیری و تعلیق در اجرای مجازات

تعلیق در اجرای مجازات نیز از نهادهای بسیار مؤثر و کارآمد قانونی در باز سازگاری و هم نواسازی اجتماعی متهم و تلاش در بازگشت وی به زندگی سالم و

رعایت هنجارهای قانونی یک جامعه مدنی محسوب می‌شود؛ اما آنچه با موضوع این مقاله مرتبط است، این است که؛ آیا پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در فرض تعدد مادی جرائم، تمام یا بخشی از مجازات قابل تعلیق هست یا خیر؟ البته در پاسخ به این سؤال نیز نظرات مختلفی ارائه گردیده است ولی به‌عنوان مقدمه باید گفت که صدر ماده ۳۶ قانون سابق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صراحتاً بیان می‌داشت: ((مقررات مربوط به تعلیق مجازات، درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد محکوم می‌شوند قابل اجرا نیست و...)). این مقرر به نحو تصریحی در هیچ‌یک از مواد مربوط به بحث تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تکرار نشده است و این عدم تکرار آگاهانه، می‌تواند بیانگر این امر باشد که در حال حاضر تعدد جرائم تعزیری، مانع از اعمال مقررات تعلیق در اجرای مجازات نیست. علاوه بر این، آنچه دیدگاه مذکور را تقویت می‌نماید، مفاد ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که از جمله جهات لغو قرار تعلیق اجرای مجازات را وجود سابقه کیفری مؤثر و یا وجود محکومیت تعلیقی سابق اعلام نموده است که دادگاه بدون توجه به آن، اجرای مجازات را تعلیق نموده باشد. بر این اساس، چنانچه متهم، دارای سابقه محکومیت کیفری غیر مؤثر (مجازات مشمول درجه ۶ و ۷ و ۸) باشد، مانعی برای اعمال مقررات تعلیق در اجرای مجازات نیست، هرچند، مورد اخیر بیشتر ناظر بر تکرار جرم است و نه تعدد جرم ولی از جهت اینکه مقررات تعدد و تکرار جرم از جهات مختلفی با یکدیگر یکسان بوده و هر دو از علل عام تشدیدکننده مجازات محسوب می‌شوند، می‌توان در این خصوص که مقررات صریحی وجود ندارد، در مورد تعدد جرم نیز جاری دانست. از سوی دیگر تفسیر به نفع متهم نیز اقتضای چنین امری داشته و با این تلقی از قانون، از آثار مفید نهاد تعلیق مجازات نیز می‌توان حتی در صورت تعدد جرم نیز بهره جست؛ بنابراین در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم (صدر ماده ۴۶ ق.م.ا ناظر بر ماده ۴۰ همان قانون)، باید قائل به امکان تعلیق مجازات در فرض تعدد جرائم تعزیری گردید که البته این سخن، به معنی نادیده انگاشتن استثناهای قانونی مقرر در ماده ۴۷ همین قانون در برخی از جرائم، نیست.

۴.۳. تعدد مادی جرائم تعزیری و تعویق صدور حکم

سؤال اصلی مرتبط با بحث این است که آیا در تعدد جرائم تعزیری دادگاه می‌تواند از نهاد تعویق صدور حکم بهره گیرد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که با توجه به سکوت قانون‌گذار در این زمینه و عدم ایجاد مانع صریح قانونی در توسل به این نهاد در فرض تعدد جرم و فلسفه و اهدافی که در قانون برای نهاد تعویق صدور حکم پیش بینی شده است و همانگونه که در تعدد جرم می‌توان نسبت به تخفیف مجازات متهم اقدام نمود، در اینجا نیز قائل به ثبوت همان حکم شد چرا که بر اساس بند الف ماده ۴۰ ق.م.ا و وجود جهات و کیفیات مخففه یکی از شرایط تعویق صدور حکم است و نیز سایر قراین موجود قانونی از جمله اینکه فقدان سابقه مؤثر کیفری مذکور در بند "ت" ماده فوق‌الذکر ناظر بر تکرار جرم و آن هم جرائم درجه پنج به بالا است و نه تعدد جرم، به نظر می‌رسد که در جرائم متعدد تعزیری، در خصوص آن جرائمی که از درجه شش تا هشت باشند (بر اساس مفاد ماده ۴۰ ق.م.ا) با رعایت شرایط قانونی از جمله جبران زیان بزه دیده و... بتوان نسبت به تعویق صدور حکم اقدام نمود و چنانچه جرائم دیگر متهم از درجه شش به بالاتر باشد دادگاه نسبت به تعیین مجازات بر اساس ملاک‌های پیش‌گفته اقدام نموده و سپس از بین مجازات موجود، مجازات اشد را اجرا نمود که این امر منافاتی با فلسفه تشدید مجازات در فرض تعدد جرم ندارد.

۴.۴. تعدد مادی جرائم تعزیری و معافیت از کیفر

اصلاح مجرمین بدون توسل به کیفر و مجازات از رویکردهای قابل دفاع و نوین جرم‌شناسی و حقوق کیفری است که خوشبختانه در ایران، به موجب ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ جامه قانونی پوشید و علیرغم اینکه در رویه قضایی ایران به دلیل فقدان سابقه تقنینی موضوع و گذشت مدت زمان نسبتاً اندکی از تصویب قانون جدید، احکام محدودی در این زمینه صادر گردیده است ولی نمی‌توان از ظرفیت اصلاحی نهاد مذکور و نقش پیشگیرانه آن از جرائم دیگر و نیز اجتناب از اثر معکوس مجازات به‌ویژه در جرائم خرد چشم‌پوشی نمود. همچنین، استفاده از ظرفیت‌های خود مجرم در جهت اصلاح و باز سازگاری و هم‌نوآوری مجدد خود با هنجارهای جامعه به جای

سرکوبگری جزایی از سوی نهادهای رسمی و نیز توجه به اصل حداقل بودن حقوق جزا و... از الزامات و فواید دیگر توسل به نهاد معافیت از کیفر است. در خصوص تعدد مادی جرائم تعزیری و امکان یا عدم امکان بهره‌گیری از نهاد معافیت از کیفر، علاوه بر مطالبی که در بالا راجع به بحث تعویق صدور حکم گفته شد (به لحاظ اشتراک در شرایط صدور) باید اضافه نمود که به موجب تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ق.م.ا: (مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجرا نمی‌شود. این مجازات با هم و نیز با مجازات تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد.) و از آنجا که بر اساس ماده ۳۹ همین قانون، بهره‌گیری از نهاد معافیت از کیفر صرفاً در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت امکان‌پذیر است، بنابراین در مقام جمع دو مقرر مذکور، باید گفت که به دلیل عدم شمول مقررات تعدد جرم نسبت به مجازات درجه هفت و هشت و اینکه این‌گونه جرائم از حیث درجه خطرناکی و آثار اجتماعی غالباً از شدت و اهمیت کمتری برخوردارند، باید قائل به این امر بود که دادگاه اختیار داشته باشد از بین جرائم متعدد تعزیری، چنانچه برخی از آن‌ها از درجه هفت یا هشت باشند، با رعایت سایر شرایط مقرر در ماده ۳۹ ق.م.ا حکم به معافیت از کیفر صادر و نسبت به جرائم از درجه بالاتر بر اساس قواعد تعدد جرم اقدام نماید.

۴.۵. تعدد مادی جرائم تعزیری و مجازات جایگزین حبس

شناسایی مجازات جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را می‌توان فصل جدیدی در گفتمان سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران دانست. جهت حرکت [نظام کیفری] چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، به سمت محدود کردن حبس است و نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا در برخی موارد، اعمال مجازات حبس امری گریز ناپذیر به نظر می‌رسد (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۷: ۶۹). ولی نباید فراموش شود که سیستم اصلاحی ایران هرچند در رویکرد اخیر خود به راهبرد توسعه ضمانت اجرای اجتماعی محور توجه نموده است لیکن زمینه‌های لازم برای عملی نمودن این راهبرد وجود ندارد و شکست آن، اتفاقی عجیب نخواهد بود (ابراهیمی و ایزدی، ۱۳۹۲: ۷). اینکه آیا دادگاه می‌تواند در صورت تعدد جرائم تعزیری

از مجازات جایگزین حبس استفاده کند یا خیر؟ از سؤالاتی که گاهی اوقات مورد پرسش واقع می‌شود. بر اساس ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: ((تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.)) بنابراین، اول اینکه: در تعدد جرائم غیرعمدی به‌طورکلی و با هر میزان مجازات (مفاد ماده ۶۸ قانون مذکور)، امکان بهره‌گیری از مجازات جایگزین حبس وجود دارد، همان‌گونه که به‌طورکلی در جرائم غیر عمد، مقررات تعدد جرم به‌عنوان عامل تشدیدکننده مجازات رعایت نمی‌شود. ثانیاً: مفاد این ماده همسو با فلسفه تشدید مجازات در تعدد جرم، جرائم متعدد عمدی را به‌طورکلی چنانچه یکی از آنها دارای مجازات درجه شش به بالا باشد، از شمول مجازات جایگزین حبس استثنا نموده است و دادگاه نمی‌تواند در چنین فرضی، حکم به مجازات جایگزین حبس بدهد، حتی در صورتی که جرائم دیگر دارای مجازات پایین‌تر از درجه شش باشند.

۶. برآمد

با اجرایی شدن قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعیین و اجرای مجازات، در باب تعدد مادی جرائم تعزیری سامان یافته و نظام‌مندتر گردید لیکن به دلیل مدت زمان نسبتاً کوتاه از تصویب و اجرایی شدن قانون مذکور، در رویه دادگاه‌ها و دادرها، استنباط‌های مختلف و بعضاً متعارض با فلسفه تعدد جرم و تشدید مجازات ناشی از آن را موجب گردیده است. در خصوص چرایی تفکیک انواع جرائمی که به نحو تعدد ارتکاب یافته است، باید به تعدد عناوین مجرمانه از یکسو و نیز تعدد نتایج مجرمانه از سوی دیگر اشاره نمود که در اولی با تمرکز بر جرم و دومی با تمرکز بر مجازات باعث انفکاک انواع جرائم متعدد شده است. به‌طورکلی نگاه قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ در حدود و قصاص و دیات، با پذیرش استثنای، همچنان بر قاعده جمع مجازات استوار است. در اجتماع جرائم متعدد تعزیری نیز، ملاک جدیدی ارائه شده که بر مبنای معیار کمی و تعداد رفتارهای مجرمانه ارتکابی استوار

است و در ماده ۱۳۴ و تبصره‌های آن تبلور یافته است. در این قانون، با تفکیک بین مرحله صدور حکم و اجرای آن، در صورتی که جرائم تعزیری متعدد تا سه جرم باشد، دادگاه باید برای هریک از جرائم، حداکثر مجازات را مورد حکم قرار دهد و در صورتی که بیش از سه جرم باشد، در این صورت دادگاه مکلف است از حداکثر مجازات مقرر قانونی برای هر جرم به اضافه نصف آن فراتر رفته و مجازات را تعیین نماید. در مقام اجرا نیز مرجع مجری حکم، صرفاً نسبت به اجرای مجازات اشد از بین مجازات تعیینی اقدام می‌نماید. مقصود از مجازات اشد، اولاً: "مجازات اشد قضایی" و در واقع مجازاتی است که مورد حکم واقع گردیده است و نه مجازات قانونی جرم. ثانیاً: بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۹ همین قانون، مجازات اشد، مجازاتی است که شدیدتر از سایر مجازات بوده و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است که با پیش بینی این تبصره قانونی، مشکل حقوقدانان در تشخیص مجازات اشد تا اندازه‌ای حل شده است. البته این قانون، در موضوع مورد بحث، در برخی موارد دارای اشکالاتی از جمله عدم تعیین تکلیف اجرا یا عدم اجرای مجازات تبعی در کنار مجازات اشد، عدم تفاوت در ترتب مجازات قانونی در اشکال مختلف جرم اعم از مباشرت، شرکت، معاونت و شروع به جرم، عدم تفاوت در میزان تخفیف قابل اعمال در جرائم ارتكابی کمتر و یا بیشتر از سه جرم و عدم تعیین تکلیف تعدد تعزیرات منصوص شرعی و اینکه تابع مقررات تعدد حدودند یا تعدد جرائم تعزیری؟ و مسائلی از این قبیل، نیز است که در جای خود به آن‌ها پرداخته شده است.

پی‌نوشت‌ها

^۱ در زمینه مفهوم، تاریخچه و ارکان حالت خطرناک، رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، صص ۱۲۰ تا ۱۲۱.

^۲ جهت ملاحظه انتقادهای وارد بر تفکیک تعدد مادی به دودسته جرائم متعدد مشابه و مختلف، رک به؛ پوربافرانی، نقد سیاست جنایی حدود محور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران، نامه مفید، ۱۳۸۴، صص ۳۷ و ۳۸.

- ^۳ المظفر، الشیخ محمدرضا، اصول الفقه، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ هـ/ ۱۹۶۶ م، ص ۱۱۹، مذکور در رایجیان اصلی، همان، ص ۲۵.
- ^۴ عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، الرساله، ۱۹۹۳ م، ص ۴۴۳، مذکور در همان، ص ۲.
- ^۵ به چنین مواردی که قانون‌گذار چند عنوان مجرمانه را یک جرم دانسته است ((جرم شامل)) گفته می‌شود که با حالت تعدد معنوی جرائم نیز متفاوت است. جهت مطالعه بیشتر رک به؛ زراعت، عباس، همان، صص ۸۳ و ۸۴.
- ^۶ جهت ملاحظه تحلیل و مطالعه بیشتر موضوع در رویه قضایی و دکترین حقوقی رک، به؛ قیاسی، جلال‌الدین، بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه، مجله فقه و حقوق، بهار ۸۸، شماره ۲۰، صص ۱۳۳ تا ۱۴۸ و نیز رایجیان اصلی، همان، صص ۲۲ تا ۲۴.
- ^۷ ترتب دو یا چند عنوان مجرمانه بر رفتار واحد، استثنایی است بر قواعد عمومی تعدد جرم و به همین خاطر آن را با عنوان ((تعدد اعتباری)) در برابر ((تعدد واقعی)) بکار برده‌اند. (رایجیان اصلی، ص ۱۶)
- ^۸ جهت مطالعه بیشتر در خصوص جرائم حق‌الناس و حق‌الله و ضوابط تفکیک بین آن‌ها: رک به؛ فروغی، فضل‌الله، جرائم قابل گذشت در حقوق ایران، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، تابستان ۸۱، دوره ۲۱، شماره ۲، ص ۱۷.
- ^۹ جهت مطالعه بیشتر در این خصوص، رک. به حبیب زاده محمدجعفر و رحمانیان، حامد (۱۳۹۲)، معیار تفکیک حدود غیر مذکور از تعزیرات منصوص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۴.
- ^{۱۰} برای دیدن نظری که تعزیرات منصوص شرعی را در زمره حدود می‌داند، رک به؛ نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۲۵۵.
- ^{۱۱} برای دیدن نظری که مصادیق حدود را منحصر به همان شش مورد مشهور یعنی زنا، ملحقات زنا (شامل لواط و تفخیذ، مساحقه، قوادی، قذف، شرب خمر، سرقت و مجاریبه دانسته و سایر موارد تعزیر منصوص شرعی را از مصادیق تعزیر می‌داند، رک به؛ محقق حلی، نجم‌الدین جعفر ابن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۱۳۶.
- ^{۱۲} جهت ملاحظه تفاسیر مختلف فقهی و حقوقی از موضوع، رک به حبیب زاده، محمدجعفر و رحمانیان، حامد، همان، صص ۱۱۰ تا ۱۱۹.
- ^{۱۳} برای دیدن نظر مخالف که مقدمه بودن یک جرم برای جرم دیگر را از مصادیق تعدد مادی می‌داند و نه تعدد اعتباری، رک، به؛ رایجیان اصلی، همان، ص ۱۸.
- ^{۱۴} جرم مقدمه به جرمی گفته می‌شود که تحقق جرم دیگر منوط و مستلزم ارتکاب آن جرم (جرم مقدمه) است و بدون انجام جرم مقدمه، جرم اصلی و مورد نظر مرتکب قابل تحقق نیست. البته این موضوع از مصادیق تعدد معنوی نیز محسوب نمی‌شود چرا که دو رفتار مجرمانه جداگانه صورت گرفته است. درحالی‌که جهت صدق عنوان تعدد معنوی، مستلزم وجود یک رفتار مجرمانه است. جهت تشریح بیشتر این موضوع، رک به؛ زراعت،

عباس، تمایز حالت تعدد معنوی جرائم از عناوین مشابه، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، پاییز ۹۲، شماره ۳، صص ۶۹ تا ۸۸.

^{۱۵} البته این رویکرد قانون‌گذار در شناسایی قواعد واحد و یکسان در تمام اشکال ارتکاب جرم اعم از مباشرت، معاونت، شرکت در جرم، شروع به جرم نمی‌تواند قابل دفاع باشد و شایسته بود که مقنن در جریان احکام تعدد جرم نسبت به هریک از این اشکال مداخله در ارتکاب جرم قائل به تفاوت می‌بود چراکه ماهیت عمل ارتكابی و عنصر روانی و نیز درجه خطرناکی و... هر یک از این موارد با یکدیگر متفاوت است.

^{۱۶} نظریه مشورتی شماره ۹۳/۶/۱۹-۷/۹۳/۱۴۴۴ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید این موضوع است.

^{۱۷} جهت ملاحظه نظر همسو و موافق با این دیدگاه و دلایل و مبانی آن، رک به؛ رایجیان اصلی، همان، صص ۳۰ تا ۳۲.

^{۱۸} عفو و آزادی مشروط از موارد اجرای مجازات است؛ کما اینکه مطابق تبصره ۳ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «در عفو اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام آزادی مشروط رفع می‌شود...»؛ بنابراین در فرض سؤال در صورت شمول عفو نسبت به بخشی از مجازات اشد، موجب قانونی جهت اجرای مجازات اشد بعدی وجود ندارد؛ بلکه با اعمال عفو، باقی‌مانده مجازات اشد اجرا می‌شود.

^{۱۹} ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲: «... و -جزاهای تبعی و همچنین اقدامات تأمینی که قانوناً برای هریک از جرائم مورد حکم مقرر شده در هر صورت اجرا خواهد شد مگر در مورد اقدامات تأمینی و تربیتی مشابه که در این صورت اشد آن اجرا می‌شود...».

^{۲۰} جهت مطالعه بیشتر، رک به جوانمرد، بهروز و نوروزی، نادر، بررسی جرائم خرد در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و سوم، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۲۷ تا ۱۴۴.

منابع

ابراهیمی، شهرام و ایزدی، عبدالله (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۴».

احمدی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «فلسفه تشریح جرائم حدی»، مجله دادرسی، شماره ۹۵.
الهام، غلامحسین (۱۳۷۶)، «مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم»، تهران: نشر بشری.
الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۲)، «درآمدی بر حقوق جزای عمومی»، تهران: نشر میزان.

پاکنده، نصرت اله و باقرزاده، داود (۱۳۹۱)، «تعدد جرم»، مجله اصلاح و تربیت، سال

دهم، شماره ۱۲۹

الف: پوربافرانی، حسن (۱۳۸۴)، "تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق.

ب: پوربافرانی، حسن (۱۳۸۴)، "نقد سیاست جنایی حدود محور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران"، نامه مفید، شماره ۴۹.

پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴)، "بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم"، قم: مجتمع آموزش عالی قم

جوانمرد، بهروز و نوروزی، نادر (۱۳۸۸)، "بررسی جرائم خرد در حقوق کیفری ایران"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷.

حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۷)، "جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، (حال و آینده)"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.

حبیب زاده محمدجعفر و رحمانیان، حامد (۱۳۹۲)، "معیار تفکیک حدود غیر مذکور از تعزیرات منصوص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲"، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۴.

حبیب زاده، محمدجعفر و هوشیار، مهدی (۱۳۸۹)، "تناسب جرم با مجازات از منظر تئوری‌های توزیع مجازات"، مجله تعالی حقوق، شماره ۵

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۲)، "تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن"، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۲۸ و ۲۹.

رستمی غازانی، امید (۱۳۹۰)، "آیین دادرسی تعدد جرم"، مجله پیام آموزش (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه)، شماره ۵۲.

زراعت، عباس (۱۳۹۲)، "تمایز حالت تعدد معنوی جرائم از عناوین مشابه"، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، شماره ۳.

شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۶)، "قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی"، تهران: نشر مهاجر.

طاهری نسب، سیدیزداله (۱۳۸۱)، "تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا"، تهران: نشر

ارزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ۲۰۳

دانشور.

عابد، رسول (۱۳۹۱)، "ضابطه برای اختلاف جرائم در اعمال قاعده تعدد مادی جرم"،
مجله پیام آموزش (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه)، سال دهم، شماره
۵۵.

عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، "نقدی بر مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب
۱۳۹۲"، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۷.

عوده، عبدالقادر (۱۳۷۹)، "حقوق جنایی اسلامی (با تعلیقات مرحوم سیداسماعیل
صدر)"، ترجمه اکبر غفوری، جلد اول، مشهد: موسسه آستان قدس رضوی.

فتحی، محمدجواد (۱۳۷۹)، "بررسی انتقادی کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات
اسلامی"، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۷ و ۸.

فروغی، فضل اله (۱۳۸۱)، "جرائم قابل گذشت در حقوق ایران"، نشریه علوم اجتماعی
و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱، شماره ۲.

قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۸)، "بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه"،
فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۲۰.

کشاوری، بهمن (۱۳۷۸)، "مجموعه محشای قانون تعزیرات"، تهران: انتشارات گنج
دانش.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، "محشای قانون مجازات اسلامی"، تهران: انتشارات مجد.
میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، "جرائم علیه اموال و مالکیت"، تهران: نشر میزان.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ه.ق)، "جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام"، ج ۴۱،
بیروت، دار احیاء التراث العربی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰)، "دانشنامه جرم‌شناسی"،
تهران: انتشارات گنج دانش.

نوربها، رضا (۱۳۸۶)، "زمینه حقوق جزای عمومی"، تهران: انتشارات گنج دانش.